

نگاهی به دیدگاه فقهای مذاهب خمسہ پیرامون اثر زنا و لواط بر حرمت مصاهرت

سید علی هاشمی خانباسی،^۱ مرتضی آقایی^۲
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۳)

چکیده

زنا و لواط به عنوان سبب مصاهرت می‌توانند با شرایطی موجب حرمت نکاح شوند. در این پژوهش اقوال فقهای مذاهب خمسہ در مورد زنا و لواط و اثر آن در حرمت مصاهرت به روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای بررسی شده است. مذاهب خمسہ در اینکه زنا یا لاحق بر نکاح باعث حرمت زن و شوهر نمی‌شود، اتفاق نظر دارند؛ زیرا «الحرام لایفسد الحلال» ولی درباره زنا سابق بر ازدواج میان فقها وحدت نظر وجود ندارد. برخی از فقهای امامیه و ابوحنیفه و احمد بن حنبل معتقد به نشر حرمت شده‌اند. در مقابل برخی دیگر از فقهای امامیه و مالک و شافعی معتقد به جواز ازدواج مرد زانی با مادر یا دختر زانیه هستند. با بررسی ادله و مستندات طرفین، قول دوم مردود به نظر می‌رسد. در مسئله لواط، مطابق اجماع فقهای امامیه فاعل نمی‌تواند با مادر، خواهر و دختر مفعول ازدواج کند، اما عکس آن حرام نیست. حنا بله نیز لواط را ملحق به زنا دانسته و قائل به نشر حرمت توسط لواط شده‌اند. بقیه فقهای اهل سنت به اتفاق، لواط را موجب نشر حرمت نمی‌دانند.

کلیدواژه‌ها: حرمت، مصاهرت، زنا، لواط، مذاهب خمسہ.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول) /
a.hashemi1@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه مازندران / npoorshahi@yahoo.com

طرح مسئله

در اسلام هیچ بنایی بااهمیت‌تر از خانواده نیست و مبنای شکل‌گیری این نهاد مقدس، ازدواج است که به صورت موقت و دائم، تنها راه ارتباط مشروع و قانونی بین مرد و زن خواهد بود. مواردی وجود دارد که ازدواج میان مردان و زنان به سبب بروز عواملی، ممنوع و حرام می‌گردد که از جمله آن می‌توان به حرمت ناشی از مصاهرت (سبب) اشاره کرد. مصاهرت به رابطه میان زوجین با خویشاوندان طرف مقابل اطلاق می‌شود که یکی از موجبات حرمت نکاح است. موارد حرمت نکاح مصاهره‌ای در اثر وقوع هر عقد نکاحی ایجاد می‌شود و نسبت به هر دو طرف زوج و زوجه موارد حرمت به وجود می‌آید. لکن بنابر نظر مشهور فقهای امامیه و برخی از اهل سنت در برخی موارد قبل از ازدواج، اعمال خلاف قانون خداوند مانند: زنا و لواط نیز موجب حرمت مصاهرت می‌شود.

از آنجایی که موارد بررسی حرمت نکاح بین مرد و زن از مسائل ضروری بوده و شارع مقدس نسبت به آن اهتمام ویژه‌ای دارد، بررسی این موضوع که آیا زنا و لواط تأثیری در حرمت مصاهرت دارند یا خیر، بسیار حائز اهمیت می‌باشد، به خصوص که درباره این موضوع به صورت تلفیقی در بین مذاهب خمسسه کمتر کار شده و تا کنون به صورت جامع و کامل تحقیقی صورت نگرفته است. در این تحقیق با روش توصیفی - تطبیقی، نظرات فقهای مذاهب خمسسه در تأثیر عمل زنا و لواط بر حرمت مصاهرت بررسی شده تا موارد اشتراک و اختلاف میان آنان به روشنی مشخص شود.

مفاهیم کلیدی

۱. زنا

زنا آمیزش از راه نامشروع است. زنا در اصطلاح شرع عبارت است از داخل کردن آلت تناسلی مرد توسط خود او در فرج زن به مقدار ختنه‌گاه یا بیشتر، بدون آنکه بین آن دو عقد ازدواجی واقع شده باشد یا مرد مالک زن باشد یا شبهه عقد یا ملک وجود داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱/۲۶۰-۲۵۸).

۲. لواط

لواط یکی از شنیع‌ترین اعمال از دیدگاه اسلام است. از این جهت که قوم لوط، اولین کسانی بودند که به گناه بزرگ هم‌جنس‌بازی روی آوردند (اعراف، ۸۰). نام این گناه کبیره از نام

این قوم گرفته شد و به آن لفظ «لواط» اطلاق شده است. در واقع «لواط» به معنای عملی است که قوم لوط مرتکب، بلکه مبدع آن عمل زشت شدند. در زبان عربی نیز با استفاده از نامی که از این قوم برده شده، مشتقاتی را استخراج کرده‌اند که برخی از آنها به معنای عمل شنیعی است که آن قوم گناهکار انجام می‌دادند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ۴۵۲/۷) و کفر می‌ورزیدند به آنچه از طرف خداوند بر پیامبر نازل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۴۰/۱۴). از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: «اگر سزاوار بود شخصی دو بار رجم و سنگسار گردد، حق همین لواط‌کنندگان است^۳» (نوری، بی‌تا، ۸۲/).

۳. حرمت

الحرمة: جمع آن: حُرْمٌ و حُرْمَاتٌ و حُرْمَاتٌ: آنچه تا آخر حلال نیست، نقیض حلال (ابن-منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳۶/۳-۱۳۸؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ۳۹۱/۱)، ممنوع کردن، محروم کردن، ترک‌نشدنی و ضد حلال است (بستانی، ۱۳۶۴ش، ۹۷). همه معانی از آنچه انجام و عمل به آن جایز نیست و ارتکابش گناه محسوب می‌شود، از مصادیق حرمت محسوب می‌شود. از لحاظ حکمی، حرمت یکی از احکام تکلیفی است که مستقیماً به افعال انسان (مکلف) تعلق گرفته و رفتار او را در جوانب مختلف زندگی شخصی، عبادی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تصحیح و توجیه می‌کند و همه را سر و سامان می‌بخشد؛ مثل حرمت شرب خمر یا حرمت نکاح در حال احرام (صدر، ۱۴۱۷ق، ۱۰۰/۱).

۴. مصاهرت

مُصَاهَرَةٌ از صهر به کسر صاد اخذ شده است و صهر به معنای قرابت و نیز داماد؛ یعنی شوهر دختر و شوهر خواهر است. مصاهره نیز به معنی دامادی و به دامادی پیوستن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۴۷۱/۴؛ جوهری، بی‌تا، ۷۱۷/۲). در اصطلاح فقهی به علاقه‌ای گویند که بین زوجین و اقربای هر یک از آن دو به سبب نکاح ایجاد می‌شود و موجب حرمت گشته^۴ و در وطی، نظر و لمس به گونه‌ای مخصوص ملحق به نکاح می‌گردد و این معنای

۳. «روی عن العالم علیه السلام انه قال لو كان ينبغي لاحد ان يرجم مرتين لرجم اللوطي و عليه مثل حد الزاني من الرجم و الحد محصنا و غير محصن».

۴. «و هي علاقة تحدث بين الزوجين و أقرباء كل منهما بسبب النكاح توجب الحرمة».

معروف و مشهور مصاهرت از نظر لغت و عرف است. بنابراین نیازی به افزودن وطی کنیز، وطی به شبهه، زنا و مانند آن به مصاهرت نیست. اگرچه این امور نیز در شرایطی خاص موجب حرمت است، با این حال عنوان مصاهرت بر آن صادق نیست، بلکه از جهت وطی و دخولی است که صورت گرفته است، اگرچه عادت اصحاب بر آن جاری شده که در باب مصاهرت، وطی را به مصاهرت ملحق می‌سازند (طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ۱۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ۱۷۶/۵)، با این حال، حق آن است که عنوان مصاهرت بر آنها صادق نباشد.

حرمت از نظر منشأ، مختلف و متعدد است؛ در مواردی حرمت ناشی از ارتباط نسبی اعم از ابوی و یا یکی از پدر و مادر است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا؛ و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد» (فرقان، ۵۴). به نظر می‌رسد که در فقه امامیه، موارد منع نکاح ناشی از خویشاوندی نسبی و طبیعی، از منطوق آیه ۲۳ سوره نساء اقتباس شده است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ: [نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادران و دختران و خواهران و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر».

نسب ناشی از تلقیح مصنوعی: تولید مثل مصنوعی به فرایندی اطلاق می‌گردد که انسان در تشکیل نطفه و رشد جنین با استفاده از ابزار پزشکی دخالت ارادی داشته باشد (ساردویی نسب، ۱۳۹۴ش، ۵). این امر از دو طریق لقاح مصنوعی و شبیه‌سازی انجام می‌پذیرد که هر یک، انواع مختلفی دارد. قدر متیقن از عبارتهای فقهای امامیه آن است که تمایل به بقای نسل، یکی از غرایزی است که خداوند متعال در وجود بشر به ودیعه نهاده است.

در مواردی هم حرمت ناشی از ارتباط سببی است؛ یعنی از طریق سبب موجب حرمت ازدواج بین زن و مرد خواهد بود و آن عبارت است از: حرمت ناشی از مصاهرت و حرمت ناشی از رضاع. هم‌چنین مواردی وجود دارد که حرمت، ناشی از غیر ارتباطات خویشاوندی است؛ مثل لعان (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۷۴/۲) و طلاق نهم (ساردویی نسب، ۱۳۹۴ش، ۵)، ارتباط نامشروع جنسی بین زن و مرد تحت عنوان زنا و بین دو مرد تحت عنوان لواط. در این مقاله فقط مورد اخیر (ارتباط نامشروع جنسی) مورد بحث است.

اثر زنا قبل از عقد در حرمت مصاهرت از دیدگاه مذاهب خمسہ

در این قسمت به بررسی و تحلیل این بحث پرداخته می‌شود که زنا قبل از ازدواج منشا اثر است؛ بدین معنا که در مذاهب خمسہ ایجاد حرمت مصاهرت می‌کند.

۱. اثر زنا قبل از عقد از دیدگاه فقه امامیه

فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که زنا قبل از عقد موجب ایجاد حرمت مصاهرت می‌شود، بنابراین اگر کسی با زنی زنا کند، پدر یا پسر آن مرد نمی‌تواند با آن زن ازدواج کند و آن مرد زانی هم نمی‌تواند با مادر یا دختر آن زن ازدواج کند.

۱-۱. حرمت ابدی نکاح مرد (زانی) با مادر و دختر زانیه

قائلین به حرمت ابدی مادر و دختر زانیه بر زانی، به ادله‌ای از کتاب، سنت و اجماع استناد نموده‌اند. هم‌چنین از تعدادی از اقوال فقهای امامیه به عنوان مؤید مدعای خود بهره جستند.

۱-۱-۱. کتاب

از قرآن به آیه ۲۳ سوره نساء استدلال شده است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ... وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبُكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ: [نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان... و مادران زنانتان و دختران همسرانتان که [آن دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید.» وجه استدلال به این آیه، جمله «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ» است. این‌گونه استدلال شده که زانیه نیز در زمره نساءکم می‌باشد و برای آن که مادر مزنی^۱ علیها داخل در امهات نساءکم شود کمترین ارتباط کفایت می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ۲۹۹/۷). بنابراین مزنی^۲ علیها نیز داخل در نساء است، زیرا برای اضافه شدن چیزی به چیز دیگر کمترین ارتباط کافی است؛ مانند این سخن که «إِذَا كُوبَ الْخِرْقَاءِ لَاحَ بِسِحْرَةٍ» در این‌جا اضافه شدن کوب به خرقاء به خاطر شدت شکافندگی در آن است، اگرچه ارتباط کمی با یکدیگر داشته باشند. حلی در بیان آیه فوق معتقد است: «امهات نساءکم» شامل مادران همسران موطوئه شرعی نیز می‌شود، اما از آنجا که زانیه خود از جرگه زنان است شامل حکم مزبور خواهد شد و مادر و دختر زانیه بر زانی حرام می‌شود و این‌گونه میان آنها حرمت مصاهرت ایجاد می‌گردد (حلی، ۱۴۱۸ق، ۳۲/۷).

۱-۱-۲. روایات

روایاتی که در این زمینه وجود دارند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول بیانگر نشر حرمت ابدی نکاح با مادر و دختر زانیه توسط زنا هستند و دسته دوم بیانگر عدم نشر حرمت ابدی‌اند. دسته اول روایاتی هستند که مشخصاً حاکی از حرمت مؤبد مادر و دختر زانیه بر زانی است.

الف) روایات دسته اول

روایت اول: راوی از امام صادق، در مورد مردی که با زنی زنا نموده سؤال می‌کند: آیا مرد زانی می‌تواند با دختر آن زن ازدواج نماید؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: اگر او را بوسیده یا از روی شبهه با او جمع شده است، می‌تواند با دختر او ازدواج کند و اما اگر با او جماع کرده باشد نباید با دخترش نکاح کند و اگر بخواهد می‌تواند خود مادر را که با او زنا کرده به ازدواج خود درآورد (کلینی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۶/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۰/۷؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۶۶/۳).

روایت دوم: محمد بن مسلم از یکی از دو امام معصوم نقل می‌کند که از ایشان در مورد مردی که با زنی زنا کرده است، سؤال شده است: آیا (آن مرد) می‌تواند با دختر زن موطوئه ازدواج کند؟ امام علیه السلام فرمودند: خیر (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۹/۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۲/۱۴).

روایت سوم: راوی از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که با زنی مباشرت نموده و او را بوسیده است علاوه بر جماع، او را افضا کند، آن‌گاه با دختر او ازدواج می‌کند، سؤال می‌پرسد که امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: اگر جماعی رخ نداده و او را افضا نکرده باشد ازدواج با دخترش اشکالی ندارد و اگر او را افضا نموده باشد نباید با دختر او نکاح نماید (کلینی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۵/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۹/۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۲/۱۴).

روایت چهارم: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر شخص با زنی زنا نماید نمی‌تواند نه با دختر آن زن و نه با مادرش ازدواج نماید، چه آن مادر و دختر نسبی باشند چه رضاعی باشند، فرقی ندارد در هر دو حالت، زنا مذکور موجب حرمت نکاح با آن دو می‌شود (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۲۳۶).

روایت پنجم: راوی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: اگر مرد با زن زنا نماید دختر آن زن برای همیشه بر او حلال نیست (نوری، ۱۴۰۸ق، ۳۸۲).

روایت ششم: راوی گوید: مردی از اصحاب ما زنی را به ازدواج خود درآورد و به من گفت که دوست دارم از اباعبدالله علیه السلام در این مورد پیرسی، به اباعبدالله علیه السلام عرض کردم مردی از اصحاب ما زنی را به ازدواج خود درآورد و ادعا کرده که با مادر آن زن ملاعبه نموده و او را بوسیده است بدون آنکه از او کام گیرد، ایشان فرمودند: دروغ گفته است، بر او گذر کن پس او باید از او (همسرش) جدا شود، از سفرم بازگشتم و آن مرد را از آنچه امام علیه السلام فرموده بودند باخبر نمودم، به خدا سوگند او آنچه امام علیه السلام در موردش فرموده بودند را از خود نفی نکرد و آن زن (همسرش) را رها کرد که برود؛ زیرا به سبب زنایی که قبل از ازدواج با همسرش، با مادر او انجام داده بود در حقیقت این نکاح از همان ابتدا حرام ابدی شده است و حال آنکه سائل از آن بی‌خبر بوده و پس بلافاصله بعد از مطلع شدنش باید از او جدا شود (کلینی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۶/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۷/۱۴).

مجموعه روایات یادشده دسته اول، همگی از نظر حدیث‌شناسی، دارای سند بوده و با بررسیهای انجام‌گرفته تمامی آنها صحیح و معتبر هستند و به طور وضوح، حکم مورد نظر را تبیین و تأیید می‌نمایند و از ادله متقنی هستند که می‌توان برای اثبات مدعا در این باب به آنها استناد نمود.

ب) روایات دسته دوم

دسته دوم روایاتی هستند که بر عدم نشر حرمت ابدی زنا در نکاح با مادر و دختر زانیه دلالت دارند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

روایت اول: سعید بن یسار گوید از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که با زنی زنا کرده است پرسیدم که آیا می‌تواند با دختر آن زن ازدواج نماید و ایشان فرمودند: بله، ای سعید! همانا حرام، حلال را فاسد نمی‌کند (همان، ۳۲۳/۱۴).

روایت دوم: از زراره روایت شده است که گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی با زنی فجور نموده است آیا برای او جایز است که با دختر آن زن ازدواج کند؟ امام علیه السلام فرمودند: حرام حلال را هرگز حرام نمی‌کند (همان، ۳۲۴/۱۴).

روایت سوم: هشام بن مثنی روایت می‌کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم، مردی که به زنی فجور کرده بود از ایشان پرسید که آیا برای او حلال است با دختر آن زن ازدواج کند؟ ایشان فرمودند: بله، همانا حرام حلال را فاسد نمی‌کند. (همان‌جا).

روایت چهارم: حنان بن سدیر نقل می‌کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم که شخصی به نام سعید از ایشان سؤال کرد درباره مردی که با زنی زنا نموده است آیا برای او حلال است که با دختر آن زن ازدواج نماید؟ ایشان فرمودند: بله همانا حرام حلال را حرام نمی‌کند (همان‌جا).

روایت پنجم: هشام بن مثنی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که همانا از ایشان درباره زناي مرد با زن سؤال شد که آیا زانی می‌تواند با آن زن نکاح نماید؟ امام فرمودند: بله با مادر و دختر او هم می‌تواند ازدواج نماید (همان‌جا).

تبیین مواضع دو دسته روایات ذکر شده در این است که سند تمام روایات فوق بررسی شده و همگی به جز روایت زراره از امام صادق علیه السلام که ضعیف است و نیز خبر قاسم بن محمد از هشام بن مثنی که موثق می‌باشد، دارای سندی صحیح هستند که مسلماً استناد به آنها برای مخالفین اشکالی ایجاد نمی‌کند. با توجه به اینکه روایات دسته اول هم از جهت سند، صحیح و یقین آورند و هم تعداد روایات بیشتر است و نیز عمل مشهور اصحاب امامیه را به عنوان مؤید به همراه دارد، لذا روایات دسته دوم یارای معارضه با آن را نخواهد داشت. در نتیجه همگی بیانگر آن هستند که اظهر و مشهور، قول به تحریم ابدی مادر و دختر زانیه بر زانی است و احتمال می‌رود که مقصود از لفظ فجور در روایات اخیر ارتباط بدون جماع باشد و یا جماعی باشد که لاحق بر نکاح بوده است و نیز این احتمال هم وجود دارد که حکم مزبور در روایات مذکور از روی تقیه صادر شده باشد، بنابراین با تبیین این مباحث می‌توان دریافت که حکم به تحریم مادر و دختر مزنی^۱ علیها بر زانی واضح‌تر و روشن‌تر است و اختیار آن شایسته‌تر به نظر می‌رسد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۷۲/۲۹).

۱-۱-۳. اجماع

با توجه به اینکه بین دو دسته از روایات ذکر شده، تعارض وجود دارد و طبق قاعده اولی در باب تعارض باید حکم تساقط جاری شود، اما نجفی می‌گوید: «ولکن العمل علی الأولى وفاقاً للأكثر نقلاً مستفیضاً و محصلاً، بل هو المشهور کذلک» (همان، ۳۶۸/۲۹). بنابراین به دلیل اینکه بیشتر فقها بلکه مشهور میان آنها عمل به دسته اول است، از جهت حکم، مسئله مورد بحث را با استناد به دسته اول روایت بیان کردند و در نتیجه زناي سابق بر عقد نکاح موجب نشر حرمت مصاهره می‌گردد و عمل به آن مورد اتفاق اکثر فقها بوده و بر آن اجماع

وجود دارد که هم اجماع منقول است و به حد استفاضه نیز رسیده و هم اجماع محصل است و این قول به تحریم بین اکثر اصحاب امامیه اعم از متقدمین و متأخرین مشهور است.

۱-۲-۲. حرمت ابدی نکاح زانیه بر پدر و پسر زانی

در صورتی که زنا نشر حرمت مصاهرت کند، نتیجه آن، حرمت ابدی و هم‌چنین حرمت مؤبد نکاح پدر (هرچه بالا رود) و پسر (هرچه پایین رود) زانی با زانیه است. قائلین به حرمت ابدی ازدواج زانیه بر پدر و پسر زانی به کتاب و سنت استناد نموده‌اند. روایات از جهت سند به صحیح و حسن و موثق توصیف شده‌اند و مسلم است که ذکر مستندات و توضیحات آنها در اثبات مدعای مذکور و روند و پیشبرد اهداف این نوشتار سودمند خواهد بود.

۱-۲-۱. کتاب

به آیه ۲۲ سوره نساء استدلال شده است: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ: با زنانی که پدرانتان به عقد خویش درآورده‌اند زناشویی مکنید.»
واژه نکاح در لغت، حقیقت در وطی است، چنانچه لسان العرب از قول ازهری و جوهری می‌گوید: اصل «نکاح» در کلام عرب به معنای هم‌بستری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۶۲۶/۲) و در همین راستا برخی مفسران هم معتقدند اصل «نکاح» به معنای جماع است و بر اثر کثرت استعمال در معنای عقد هم به‌کار رفته است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴۵/۳) و بر این قول اجماع وجود دارد و در شرع نیز می‌توان با تمسک به اصل بقاء، عدم نسخ و تغییر، بیان داشت که نکاح در همان معنای لغوی استعمال می‌شود؛ همان‌طور که نکاح در این آیه «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ: از زنان هر چه شما را پسند افتد به نکاح درآورید» (نساء، ۳) و آیات دیگر نظیر آن به همین معنا به‌کار رفته است. البته برخی معتقدند که هم‌بستری را نباید معنای اصلی «نکاح» دانست، اگرچه از آثار نکاح به لحاظ تولید نسل و تشکیل خانواده، مجامعت است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ۲۳۵/۱۲). همین معنا را راغب اصفهانی نیز آورده است و در همین زمینه می‌گوید: «نکاح» در اصل برای عقد بوده و سپس به طور استعاره برای هم‌بستری استفاده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۲۳). بنابراین توسعه وجودی کلمه نکاح در این آیه هم شامل وطی می‌شود و هم عقد را در بر می‌گیرد.

لذا وقتی که نکاح حقیقت در وطی باشد پس در غیر وطی، حقیقی نخواهد بود؛ چراکه موجب استعمال لفظ در دو معنا می‌شود که جایز نیست. بنابراین استعمال آن در عقد استعمال مجازی است نه حقیقی و اینکه چرا مشترک لفظی نگرفتیم بدان دلیل است که مجاز بهتر از اشتراک لفظی است و می‌توان وجه بهتری بودن مجاز را این‌گونه بازگو نمود که عقد خود منجر به وطی می‌شود که این بیان، بیشتر به علت شبیه است و اگر ثابت گردد که عقد نیز مانند وطی، حقیقت در نکاح دارد، باید ذکر نمود که این حقیقت، حقیقت شرعی است نه لغوی، اما مانع استعمال آن در حقیقت لغوی نمی‌شود (حلی، ۱۴۱۸ق، ۳۵/۷).

۱-۲-۲. روایات

ابوبصیر از امام معصوم علیه السلام روایت می‌کند که از ایشان در مورد زنا ی یک مرد با یک زن پرسیدم آیا برای پسر آن مرد حلال است که با آن زن ازدواج نماید؟ یا اگر پسر با زن زنا کند، آیا برای پدر او حلال است که با آن زن نکاح نماید؟ ایشان فرمودند: اگر پدر یا پسر او را لمس نموده و از او کام گرفته باشند (مرادش آمیزش جنسی است)، بر آن دو، حلال نخواهد بود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۸۲/۷).

امام موسی کاظم علیه السلام در جواب سؤالی که از ایشان پرسیده شده بود در مورد مردی که با زنی زنا نموده، آیا آن زن برای پسر مرد حلال است، فرمودند: خیر (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۸/۱۴).

امام صادق علیه السلام درباره مردی که کنیزی داشت و نوه‌اش با او قبل از آن که پدر بزرگ با کنیز نزدیکی کند، مواجهه کرده بود یا آن مرد با زن زنا کند، آیا برای پدر جایز است که با او ازدواج نماید، فرمودند: خیر (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۶۶/۳).

با ثابت شدن حرمت ازدواج پسر با زنی که پدر با او زنا کرده است، به سهولت می‌توان به حرمت نکاح پدر با زنی که پسر با او زنا نموده است پی برد، چرا که مستندات آن نیز، طبق بیان طوسی (همان‌جا)، روایات فوق‌الذکر می‌باشد.

۲. اثر زنا قبل از عقد از دیدگاه اهل سنت

چنانچه قبل از عقد و در زمان بیگانگی، با زنی زنا صورت گرفته باشد، اکثر فقهای مذاهب اربعه بر این عقیده‌اند که زنا موجب حرمت مصاهرت می‌شود.

۲-۱. حنفیه

حنفیه بر این عقیده‌اند که زنا موجب حرمت مصاهرت می‌شود (مغنیه، بی تا، ۳۱۲/۲). فقهای مذهب حنفی، مقدمات زنا مانند بوسیدن و مس با شهوت را نیز ملحق به مصاهرت دانسته و اظهار می‌دارند: لمس کردن و نگاه کردن سببی است که موجب وطی می‌شود و لذا احتیاط اقتضا می‌کند که آن دو، قائم‌مقام وطی قرار گیرند (زحیلی، ۱۴۲۹ق، ۶۶۲۸/۹) و برای اثبات مدعای خود به ادله زیر تمسک نموده‌اند:

۲-۱-۱. آیه قرآن

آیه ۲۲ سوره نساء. وجه استدلال به آیه اولاً این است که لفظ نکاح به معنای وطی است و مؤید آن قول شاعر است که گفته: «اذا زنیت فاجد نکاحا» و ثانیاً قرینه‌ای در آیه وجود دارد که معنای آیه را منصرف به وطی می‌کند که این فراز آیه است که می‌فرماید: «انه کان فاحشه و مقتا و ساء سییلا» و این شدت سخت‌گیری، دال بر وطی است نه نکاح.

۲-۱-۲. روایت

مردی از پیامبر ﷺ سؤال می‌کند: یا رسول الله! من با زنی در زمان جاهلیت زنا کردم، آیا می‌توانم با دخترش ازدواج کنم. پیامبر ﷺ فرمود: خیر و هم‌چنین صلاح نیست با زنی که با دخترش نزدیکی کردی ازدواج کنی. ولیکن به این حدیث اشکال شده که مرسله است (همان، ۶۶۳۱/۹-۶۶۳۰).

۲-۱-۳. قاعده قیاس

در دلیل دوم می‌گویند: همان‌طور که دخول با عقد فاسد موجب نشر حرمت مصاهرت است در زنا هم باید موجب نشر حرمت بشود چون در هر دو، دخول حرام صورت گرفته. البته به این دلیل نیز اشکال شده که قیاس مع‌الفارق است؛ چون زنا موجب حد است و نسب با زنا ثابت نیست بخلاف وطی به شبهه و عقد فاسد و به همین جهت شافعی به محمد بن حسن گفته «ان الزواج امر حمدت علیه و الزنا فعل رجمت علیه فکیف یتشبهان» (همان، ۶۶۳۱/۹).

۲-۲. مالکیه و شافعیه

دیدگاه فقهای مالکی، دقیقاً مقابل دیدگاه حنفیه و حنبلیه قرار دارد؛ یعنی از نظر آنها زنا و نگاه و لمس موجب حرمت مصاهرت نمی‌شود (مغنیه، بی‌تا، ۳۱۲/۲). مذهب شافعی نیز همانند مالکیها، قائل است که زنا و نگاه و لمس موجب حرمت مصاهرت نمی‌شود (همان‌جا). دو مذهب یادشده برای مدعای خود چهار دلیل ذکر کرده‌اند:

الف) روایتی که بیقهی از عایشه و ابن‌ماجه از ابن‌عمر نقل کرده‌اند: پیامبر ﷺ در جواب شخصی که با زنی زنا کرد و قصد کرده بود با دخترش ازدواج کند فرمود: «لا یحرم الحرام الحلال انما یحرم ما کان بنکاح». و روایات دیگر به همین مضمون.

ب) مصاهرت نعمتی است که به وسیله آن اجنبی ملحق به نزدیکان می‌شود و در روایتی داریم: «المصاهره لحمه کلحمه النسب و اما الزنا فمحظور شرعا فلا یكون سببا لنعمه».

ج) فلسفه اثبات حرمت مصاهرت، قطع طمع بین مرد و زن است به‌خاطر تحقق الفت و دوستی، ولیکن مزنی‌ها اجنبی و بیگانه است و مانند سایر اجانب نه نفقه‌ای بر او واجب است و نه ارثی می‌برد و وجهی برای اثبات حرمت مصاهرت به وسیله زنا ثابت نیست.

د) قول خداوند که می‌فرماید: «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَّرَاءَ ذَٰلِكُمْ» و غیر از این [زنان نام‌برده]، برای شما حلال است» (نساء، ۲۴)؛ که به‌صراحت دلالت بر اصل حلیت دارد و با عمومیتش شامل مزنی‌ها نیز می‌شود (زحیلی، ۱۴۲۹ق، ۶۶۳۲/۹).

هم‌چنین مالک استدلال کرده که خداوند در قرآن فرموده: «امهات نساکم: مادران زنانتان» (نساء، ۲۳). در این آیه، اضافه امهات به نساء انصراف و دلالت بر ازدواج و نکاح دارد و نه زنا و وطی به شبهه، به‌منزله تزویج است و حلال (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ۴۱۳).

۲-۳. حنابله

حنابله بر این عقیده‌اند که زنا موجب حرمت مصاهرت می‌شود (مغنیه، بی‌تا، ۳۱۲/۲) و قائل‌اند که فقط جماع در فرج موجب نشر حرمت می‌شود و نزدیکی در غیر فرج چه با شهوت و چه بدون شهوت موجب نشر حرمت نمی‌شود (همان‌جا).

جوزجانی نقل می‌کند: سؤال کردم از احمد در مورد مردی که با شهوت به مادر همسرش نگاه کرده یا اینکه او را بوسیده یا با او مباشرت کرده (نظرت چیست؟) در جواب، احمد به او گفت: حرام نمی‌کند چیزی از آنها، مگر جماع (ابن‌قدمه، ۱۴۰۴ق، ۷) و ادله فقهای حنبلی همان دلایل مذهب حنفیه است؛ یعنی از آیه ۲۲ سوره نساء و قیاس و از روایات نیز استفاده

کردند که یکی همان روایتی است که حنفیه به آن تمسک جستند و دیگر روایتی که از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمودند: «لا ينظر الله الى رجل نظر الى فرج امراه و ابنتها» (همان جا).

اثر زنا بعد از عقد در حرمت مصاهرت از دیدگاه مذاهب خمسہ

در این بخش به بررسی اینکه اگر همسرِ شخص با یکی از اقارب او زنا کند (خواه زن با پدر و پسر شوهرش و یا مرد با مادر و دختر همسرش) در مذاهب خمسہ حرمت ایجاد می‌شود یا خیر؟

۱. اثر زنا بعد از عقد در نکاح لاحق در فقه امامیه

اگر همسر شخص با یکی از اقارب او زنا کند (خواه زن با پدر و پسر شوهرش و یا مرد با مادر و دختر همسرش)، در این صورت حرمتی بین زن و مرد ایجاد نمی‌شود، چرا که زنا بعد از عقد تأثیری در بطلان و حرمت عقد نکاح قبلی ندارد. قائلین به این قول به قاعده «لا یحرّم الحرام الحلال» و نیز به روایات عدیده موجود در این باب، استناد کرده‌اند که به عنوان نمونه به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم.

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: اگر مردی با زن پدرش و یا با کنیز پدرش زنا نماید موجب حرمت آن زن بر همسرش نخواهد شد و نیز کنیز هم بر مولایش حرام نمی‌شود (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۳۱۹).

نجفی می‌فرماید: برخی در این مسئله معتقدند به اینکه فرقی میان زوجه مدخول‌بها و معقودعلیها وجود ندارد و فتوایهای زیادی بر این مدعا دلالت می‌کند، اما برخی از فقها مانند ابن جنید در عدم نشر حرمت، دخول را معتبر می‌دانند و معقوده را داخل در حکم مزبور نمی‌دانند. ایشان می‌گویند شاید این عقیده به خاطر برداشت از ظاهر روایت کنانی و نیز مفهوم عامی که از آن برداشت کرده‌اند، باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۶۴/۲۹).

روایت بدین صورت است که راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر مرد با زنی زنا نماید دختر آن زن تا ابد بر او حلال نخواهد بود و اگر قبل از زنا، با دختر ازدواج کند ولی با او نزدیکی ننماید ازدواجش باطل است و اگر دختر را به نکاح در آورده و با او نزدیکی کرده باشد سپس به مادرش بعد از واقعه با دختر دخول کند، این زنا با مادر منجر به فساد ازدواج دختر نخواهد شد، زیرا او به همسرش دخول کرده است و مشمول این سخن

است که «حرام، حلال را فاسد نمی‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۷/۱۴). سپس نجفی می‌فرماید: «اما این روایت شاذ و ضعیف است بلکه جماعتی از اصحاب بر خلاف آن، ادعای اجماع کرده‌اند» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۳۶/۲۹).

۲. اثر زنا‌ی بعد از عقد در نکاح سابق در فقه اهل سنت

در مورد فسخ ازدواج زوج و یا زوجه زناکار، مشهور اهل سنت قائل به عدم فسخ ازدواج آنها هستند و فرقی نیست که زنا قبل از دخول بوده باشد یا بعد از دخول، زیرا صرف انجام گناه، موجب فسخ نکاح قبلی نمی‌شود و روایت عایشه دال بر این مطلب است که: «الحرام لا یحرم الحلال» و اگر سؤال شود که چرا در لعان به علت نسبت زنا دادن، فسخ نکاح صورت می‌گیرد، این‌طور جواب داده شده که این دو با هم تفاوت دارند، زیرا در لعان، مرد به واسطه نداشتن بی‌ینه و شاهد، نسبت زنا به زن خویش می‌دهد که بنا بر گفته پیامبر ﷺ حد قذف بر مرد واجب می‌گردد، مگر اینکه زن را لعان کند و این لعان است که موجب فسخ نکاح می‌گردد نه زنا‌ی زن. ولی احمد بن حنبل قایل است اگر زنی زنا داد مستحب است که از مرد خویش جدا شود و در صورت عدم جدایی، مرد به زن دخول نکند تا زن به مدت سه حیض استبرا گردد (زحیلی، ۱۴۲۹ق، ۶۶۴۸/۹).

اثر لواط بر حرمت مصاهرت در مذاهب خمسسه

لواط نیز همانند زنا با شرایطی موجب حرمت نکاح می‌شود. بر فاعل لواط حرام است که با مادر، خواهر یا دختر مفعول ازدواج کند. این عمل، هم در آیات قرآن و هم در روایات، مذمت شدید شده که در ذیل در قالب ادله، به آن اشاره می‌گردد.

۱. اثر لواط بر حرمت مصاهرت در فقه شیعه

حکم حرمت ابدی ازدواج با مادر و دختر و خواهر موطوئه، تنها برای واطی است و به شخص واطی شده به هیچ وجه سرایت نمی‌کند؛ بدان معنا که مفعول می‌تواند با مادر و خواهر و دختر فاعل نکاح نماید؛ همان‌طور که شهید ثانی نیز در شرح لمعه خویش به این مورد اشاره نموده و فرموده‌اند: «لا یحرم علی المفعول بسببه شیء عندنا للأصل» (شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ۲۱/۳) و مقصود از اصل، اصل عدم حرمت آن است.

۱-۱. روایات

عمده دلیل در این فصل، روایات هستند که با بررسی سند و دلالتشان، می‌توان به عنوان دلیلی محکم و متقن در باب لواط و اثر آن بر حرمت مصاهرت، به آنها استناد نمود:

راوی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که با غلامی هم‌جنس‌بازی می‌کرد سؤال شد. حضرت علیه السلام فرمودند: «إِذَا أُوقِبَ حُرْمَتُ عَلَيْهِ ابْنَتُهُ وَأُخْتُهُ؛ چنانچه دخول حاصل شده باشد آن مرد بر دختر و خواهر آن غلام حرام ابدی خواهد شد» (کلینی، ۴۱۳ ق، ۴۱۷/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۳۱۰/۷).

هر کس با پسر یا مردی لواط کرده باشد، اگرچه به قدر حشفه نباشد و موجب غسل نگردد... مادر مفعول، هرچه بالاتر رود و دختر مفعول هرچه پایین‌تر رود، حتی دختری که در آینده متولد می‌شود و خواهر او نه دختران خواهر، بر لواط‌کننده حرام ابدی می‌شوند (عنسی یمانی، ۱۹۴۷ م، ۹/۱؛ طوسی، ۱۴۰۹ ق، ۳۱۹/۱؛ بحرانی، ۴۰۵ ق، ۲۹۱/۲۳). این حکم در مورد خویشاوندان نسبی، مورد اتفاق اصحاب امامیه است.

۱-۲. اجماع

دومین دلیل اجماع است، طوسی در کتاب خلافتش در مورد اجماع این‌چنین می‌نویسد: «دلیلنا: اجماع الفرقه و أخبارهم و طريقة الإحتیاط تقتضی تجنب ذلك» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۳۰۸/۷)؛ دلیل ما بر حرمت در این مقوله، اجماع اصحاب و روایات است و راه احتیاط است که مقتضایش دور شدن از ازدواج در این زمینه است.

از آنجایی که شریف مرتضی نیز خود از قائلین به نشر حرمت ابدی به سبب لواط است، در مورد اجماع در این مقوله چنین می‌گوید: «و مما انفردت الإمامیه به أن من تلوط بغلام فأوقب لم تحل له أم الغلام و لا أخته و لا بنته أبداً»؛ از جمله مواردی که تنها امامیه به آن فتوا داده‌اند حرمت ابدی ازدواج با مادر و دختر و خواهر و طی شده بر شخصی است که با او وطی نموده است و در ادامه می‌فرماید از جمله فقهای اهل سنت مانند اوزاعی و ابن حنبل لواط را از عوامل حرمت ابدی می‌دانند، اما این حکم را تنها بر دختر موطوءه بار می‌کنند و اشاره‌ای به مادر و خواهر او نکرده‌اند و تنها امامیه است که به این شیوه حرمت مؤبد ناشی از لواط را منحصرأ بیان نموده است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۴۴/۲۹).

مراد و مفهوم عبارت «انفردت الإمامیه» همان فتوای اختصاصی فقهای امامیه است. بسیاری از فقهای شیعه بر وجود این حرمت ادعای اجماع کردند و لذا در بین امامیه این

مسئله مسلم و قطعی است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۰۸/۴؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ۳۴۳/۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۵۹۶/۲۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۴۷/۲۹).

۲. اثر لواط بر حرمت مصاهرت در مذاهب اهل سنت

در مسئله لواط نیز فقهای اهل سنت دو دیدگاه متضاد به چشم می‌خورد: یکی دیدگاه مذهب حنبلی است و دیگر دیدگاه متفق القول سه مذهب دیگر اهل سنت که ذیلاً به اجمال اشاره می‌شود.

۲-۱. حنفیه، مالکیه و شافعیه

حنفیه و مالکی و شافعی قریب به اتفاق لواط را موجب نشر حرمت نمی‌دانند و روایات وارده در این باب را به دلیل اینکه از طریق امامیه صورت گرفته است، اعتباری برای آن قائل نیستند. به تعبیر دیگر، به آن وقعی نمی‌گذارند (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ق، ۶۳۳/۱؛ مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ۴۲۰).

ابن قدامه قائل است که به وسیله لواط نشر حرمت صورت نمی‌گیرد، چون نصی در تحریم این مورد وجود ندارد و پس داخل در عموم آیه ۲۴ سوره نساء (احل لکم ماورا ذلکم) هستند و اینکه وطی با زن سبب مهر می‌شود و به وسیله وطی با زن، نسب ثابت است و هم‌چنین احکام دیگری بر وطی با زن ثابت است که آن احکام در وطی در لواط ثابت نیست و نباید لواط را به زنا ملحق کرد، چون دلیلی وجود ندارد و هیچ شباهتی بین این دو موجود نیست و این یک قیاس مع الفارق است (ابن قدامه، ۱۴۰۴ق، ۷).

۲-۲. حنابله

حنابله لواط را ملحق به زنا کرده و قائل‌اند که موجب حرمت ابدی می‌شود (زحیلی، ۱۴۲۹ق، ۶۶۳۰/۹). احمد بن حنبل بر این مطلب تصریح دارد و می‌گوید همان‌طور که وطی زن موجب نشر حرمت است، لواط هم وطی در فرج است و نشر حرمت می‌کند و از آنجایی که آن مادر و دختر، مادر و دختر شخصی هستند که با او وطی صورت گرفته پس بر واطی ازدواج با آنها حرام است (ابن قدامه، ۱۴۰۴ق، ۷). ابن قدامه می‌گوید به تصریح احمد بن حنبل، مادر پسر بچه و دخترش بر لواط‌کننده حرام است و هم‌چنین مادر و دختر لواط‌کننده بر لواط‌دهنده حرام می‌شود (همان‌جا). برخی نوشته‌اند از ابن حنبل منصوص است که فاعل

نمی‌تواند با دختر و مادر مفعول ازدواج کند و قائل است که این یک قیاس خوب و موجهی است و لیکن در مورد ازدواج، مفعول با مادر و دختر فاعل محل نظر است و تصریحی بر این مطلب نداشته است (مرداوی، بی‌تا، ۸/۱۲۰).

نتیجه

مصاهرت به رابطه مابین زوجین با خویشاوندان طرف مقابل اطلاق می‌شود که یکی از موجبات حرمت نکاح است. موارد حرمت نکاح مصاهره‌ای در اثر وقوع هر عقد نکاحی ایجاد می‌شود و نسبت به هر دو طرف زوج و زوجه موارد حرمت به وجود می‌آید که لواط و زنا به عنوان سبب مصاهرت، با شرایطی آثار قبل العقد و بعد العقد را به خود اختصاص داده‌اند و نتایج حاصله با بررسی در آثار فقهای مذاهب خمس به شرح ذیل است:

۱. در فقه شیعه بر طبق آیات، روایات و اجماع، زنا قبل از عقد سبب حرمت مصاهرت می‌شود و پس از زنا، مرد (زانی) نمی‌تواند با مادر یا دختر زنی که با او زنا کرده (زانیه)، ازدواج کند. همچنین پس از زنا، زن (زانیه) نمی‌تواند با پدر یا پسر مردی که با او زنا کرده (زانی) ازدواج کند. اما اثر زنا بعد از عقد، فقهای امامیه با تمسک به قاعده «لایحرم الحرام الحلال» و نیز به آیات و روایات، قائل به عدم حرمت هستند.

۲. در مذاهب چهارگانه اهل سنت، حنفیه و حنابله زنا قبل از عقد را بر مبنای قیاس و روایت، موجب حرمت مصاهرت می‌دانند. در مقابل حنفیه و حنابله، شافعیه و مالکیه هستند که قائل‌اند زنا، نگاه و لمس موجب حرمت مصاهرت نمی‌شود. اما اثر زنا بعد از عقد از نگاه اهل سنت بالاتفاق با استناد به روایت عایشه (الحرام لایحرم الحلال) قائل به عدم فسخ ازدواج آنها هستند.

۳. در مسئله اثر لواط بر حرمت مصاهرت، در فقه امامیه بر طبق دلایل مطرح شده که عمدتاً روایت و اجماع بوده است، لواط سبب حرمت مصاهرت می‌شود. حکم حرمت ابدی ازدواج با مادر و دختر و خواهر وطی شده (مفعول) تنها برای واطی است و به شخص وطی شده به هیچ وجه سرایت نمی‌کند؛ بدان معنا که مفعول می‌تواند با مادر و خواهر و دختر فاعل نکاح نماید.

۴. در مذهب حنبلیه، لواط ملحق به زنا دانسته شده و فقهای این مذهب قائل اند که لواط، موجب حرمت ابدی می‌شود. حنفیه، مالکیه و شافعیه قریب به اتفاق، لواط را موجب نشر حرمت ندانسته‌اند و روایات وارده را از طریق امامیه دانسته و برای آن اعتباری قائل نیستند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
- ابن سعید حلی، یحیی بن احمد، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر؛ دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- بستانی، فؤاد، منجد الطلاب، تهران، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، قاهره، دارالکتب العربی، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- زحیلی، محمد مصطفی، القواعد الفقهیة و تطبیقاتها فی المذاهب الأربعة، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۹ق.
- ساردویی نسب، محمد؛ نعیمی، طاهره سادات؛ خادمی، مریم، «واکاوی تطبیقی حرمت‌های ابدی ازدواج در فقه امامیه و زیدیه با رویکرد حقوقی»، مجله فقه مقارن، شماره ۵، ۱۳۹۴ش.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، الإنتصار فی انفرادات الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۹ق.
- صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایی، سید علی بن محمد علی، ریاض المسائل، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- همو، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- همو، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.

- عنسی یمانی، احمد بن قاسم، *التاج المذهب لاحکام المذهب*، صنعاء، دارالحکمة الیمانیه، ١٩٤٧م.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، قم، اسوه، ١٤١٤ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *فروع الکافی*، بیروت، دارالاضواء، ١٤١٣ق.
- مالک بن انس، *الموطأ*، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ١٤٠٦ق.
- مرداوی، علی بن سلیمان، *الإنصاف فی معرفه الراجح من الخلاف*، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ١٣٦٠ش.
- مغنیه، محمدجواد، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، بی جا، بی نا، بی تا.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ١٤٠٤ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤٠٨ق.